



پنجشنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۴ - ۱۶ صفحه - ۲۰ هزار تومان - سال چهارم - شماره ۸۲۵
www.hammihaonline.ir

سرمقاله

دو گانه های جعلی

تقارن محرم امسال با تجاوز به خاک میهن و تهدید موجودیت ایران از جهت رفتار مردم بسیار مهم و آموزنده است. درحالی که برخی تئورها در روی کاغذ و صفحه مجازی در حال ایجاد تعارض میان دو مفهوم ملت و امت و یا دینداری و وطن دوستی هستند، مداحان و مردم عزادار و حتی مداحان رسمی نیز دست به کار نوآوری شده‌اند و ترکیبی از عزاداری و میهن دوستی را عرضه کرده‌اند و اتفاقاً مورد استقبال عزاداران هم قرار گرفته است. در واقع، مردم نه تنها تعارضی میان این دو مفهوم نمی‌بینند بلکه آنها را کاملاً هماهنگ و در یک سو آریایی می‌کنند. این گونه تعارض سازی‌ها کار کسانی است که نه دین دار واقعی هستند و نه حتی اندکی حس میهن دوستی دارند. آنان کسانی هستند که اگر منافع شان اقتضا کند شعار امت گرایی را می‌دهند و درعین حال و همزمان مهاجران مسلمان و زحمتکش به کشور را بدون بررسی تحقیر و اخراج می‌کنند. آنان در همان زمان که چنین شعارهایی می‌دهند، هنگام تصویب قانون مشاغل حساس، تابعیت خارجی فرزند را هم مانع از اشتغال به مدیریت های حکومتی می‌دانند. < ۱۳

نگاه هم میهن

صورت منطقی مواجهه با مسئله

در باره ساماندهی مهاجران افغان



احمد زیدآبادی
نویسنده و مشاور هم میهن

راه رسیدن به دفتر روزنامه هم میهن از سربالایی خیابان پاکستان در منطقه عباس آباد می‌گذرد. در ابتدای خیابان، سفارت افغانستان واقع است. سفارتی که ظاهراً توسط نمایندگان «امارت اسلامی» طالبان اداره می‌شود. در روزهای کاری هفته، صدها مهاجر و پناهنده افغان از زن و مرد و کوچک و بزرگ برای دریافت خدمات کنسولی در پیاده رو و کوچه های اطراف خیابان ازدحام می‌کنند. روند رسیدگی به امورشان ظاهراً بسیار کند است اما من تاکنون کمترین بی تابی و یا نرازی بر سر نوبت گیری در بین آنها ندیده‌ام. این روزها از آسمان تهران آتش می‌بارد. در این گرمای کشنده، سالخورده‌گان و کودکانی که در جای جای خیابان با پهن کردن پارچه‌ای پیتوشه کرده‌اند، دل سنگ را می‌سوزانند. ما ایرانی ها خود از مشکلات بسیاری رنج می‌بریم اما مشاهده وضع مهاجرانی که غم و اندوه از بهنای صورتشان می‌بارد، دل هر رهگذر با وجدانی را کباب می‌کند. به راستی این مردم زحمتکش و زنجیده به تقاضا گناه چه کسی، این طور آواره و در به در و بی پناه شده‌اند که نه در غربت دل شان شاد است و نه جایی در وطن خود دارند؟ کشور افغانستان از دهه ۱۳۵۰ زمین بازی انواع و اقسام گروه های اسلامگرا و چپ ستیزه جو و افراطی شد و بعد بلافاصله به محیطی برای رقابت و تصفیه حساب دو قدرت جهانی و هم پیمانان منطقه ای آن درآمد. قصه اش تلخ و دراز است. بعد از کشمکش ها و خونریزی ها و دخالت های خارجی بسیار، نهایتاً همه این کشور جنگ زده را به حال خود رها کردند و در پرتو آن، گروهی بر افغانستان حاکم شدند که تعصبات قبیله ای و خشک اندیشه خود را به نام اسلام و فقه حنفی بر مردم آن سرزمین تحمیل کرده‌اند. < ۱۴



دست ایران بسته نیست

پیام سید محمد خاتمی

درباره توقف جنگ و راهی که پیش رو داریم



آدرس غلط ندهیم

یادداشتی از محمد رهبری

درباره ادعای نفوذ سایبری به دلیل باز بودن واتساپ



موسم بد مردن

یادداشتی از علی ورامینی

درباره سربازان نظام وظیفه که در جنگ جان باختند



پول مسافران بلوکه شد

سرگردانی خریداران بلیط هواپیمایی و وعده استرداد و پرداخت نشدن هزینه‌ها

آتش بس فرصتی برای دیپلماسی

اعلام موضع اخیر وزیر امور خارجه

در گفت و گو با امیر علی ابوالفتح و جاوید قربان اوغلی

قانون گذاری عجولانه

بررسی مصوبه اخیر مجلس برای تشدید مجازات جاسوسی

با تحلیل هایی از عمادالدین باقی، علی مجتهدزاده و صالح ثقره کار

گزارش دیپلماسی ۲۰۳

گزارش حقوق ۲۰۳

بررسی فضای سیاسی - اجتماعی محرم امسال در گفت و گو با غلامرضا ظریفیان و محمد تقی فاضل میبدی

گزارش سیاست ۴۰۵

عزادای ملی مذهبی